



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



محمد دانشگر

تأثیر فرهنگ عاشورا  
بر شعر  
پس از انقلاب اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تأثیر فرهنگ عاشورا بر شعر پس از انقلاب اسلامی

نویسنده:

محمد دانشگر

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... تأثیر فرهنگ عاشورا بر شعر پس از انقلاب اسلامی
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۸	..... انواع ادبی و قالبها
۹	..... ترکیبات لفظی و ادبی
۹	..... محورها و موضوعات کلی تأثیر پذیری
۱۱	..... در توصیف امام در غزلی با مطلع
۱۲	..... در سوگ امام راحل در شعری با مطلع
۱۲	..... در شعری با مطلع
۱۲	..... پاورقی
۱۴	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## تأثیر فرهنگ عاشورا بر شعر پس از انقلاب اسلامی

## مشخصات کتاب

عنوان: تأثیر فرهنگ عاشورا بر شعر پس از انقلاب اسلامی

پدیدآورندگان: محمد دانشگر (پدیدآور)

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: انقلاب اسلامی ایران

قیام عاشورا

فرهنگ زدایی

شعر

## مقدمه

در تاریخ زندگی بشر، بویژه مبارزات حق و باطل، همواره حرکت‌هایی منحصر به فرد و بی نظیر در ابعاد گوناگون وجود داشته که نه تنها خود، آفریننده تحولها و به وجود آورنده شگفتیهای بدیعی شده، بلکه نقطه عطف والا و شایسته‌ای گردیده است که از هر نظر قلبها و اندیشه‌ها را متوجه خود ساخته است. اگر نخستین درگیری و نبرد میان دو چهره شاخص و برجسته حق و باطل را کشته شدن «هابیل» به دست «قابیل» بدانیم، بی گمان آنگونه که قرآن فرموده است، موجب پیدایی بسیاری از مسائل و همزمان با آن، موضوع رقم خوردن حیات و مرگ انسانها و جوامع بشری مطرح می‌شود که علاوه بر خبر دادن از اهمیت شگرف این مبارزات، تأثیر عمیق و بی‌همتای آنها نیز بیان شده است. «من اجل ذلك كتبنا على بنی اسرائیل انه من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جمیعا و من احیاهما فکأنما احیا الناس جمیعا (مائده / ۳۲)». (بدین سبب بر بنی اسرائیل چنین حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آنکه فساد و فتنه‌ای در روی زمین کند به قتل برساند، مثل آن باشد که همه مردم را کشته. و هر که نفسی را حیات بخشد، مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.) بعثت پیامبران از سوی حق و آوردن شریعت‌های الهی و دعوت از مردم برای پذیرفتن دین حنیف و روی آوردن به یکتاپرستی و دوری از شرک، و برقراری قسط و عدل در جامعه، همواره قرین درگیری بین نمایندگان شرک و کفر با جبهه توحید بوده است که مصداق همان فرموده‌ی قرآن کریم است. اندکی تأمل و دقت نظر در ابعاد مختلف این حرکتها و مبارزه‌ها و تأثیر آنها، ما را به راستی و حق بودن آیه آگاه می‌سازد؛ چرا که بعثت تمام پیامبران همچون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر اسلام - صلوات الله علیهم اجمعین - به منظور زنده کردن و احیای جوامع بشری بوده است. از سوی دیگر، نبودن امام و جانشینی مشخص برای هریک از پیامبران پیشین، باعث می‌شد که با مرور زمان و وقوع رویدادهای گوناگون و دخالت دشمنان و ناآگاهان و بستن پیرایه‌های مختلف بر شریعت آنان، به تدریج احکام و دستورهای دینی به کمرنگی و حتی بی‌رنگی گراید، تا جایی که پیامبر و فرستاده دیگری از جانب خداوند، مبعوث شود و با شریعتی تازه، انسانها را به سوی فلاح و رستگاری رهنمون گردد. دین خاتم پیامبران و دعوت ایشان، این ویژگی را داشت که امام و جانشینی مشخص،

تضمین کننده سلامت دستورهای دینی بود، و در عین حال با معیاری مشخص و میزانی قابل اعتماد، از تحریف کلام خداوند و ایجاد شکوک و شبهه و برداشتهای نادرست و غرض آلود در کتاب مبین جلوگیری می‌کرد. چنین اصلی در پیامبران پیشین وجود نداشت و به همین دلیل، کتاب آسمانی آنان تحریف شد و اهداف و بیان آنان را تیره و مکدر ساخت و پیروان به گمراهی افتادند و دین از خاصیت بهره‌دهی اصلی خویش بازماند. همان حرکت معمول و رایج در جلوگیری از دعوت حق و گسترش دین توسط پیامبران و رسیدن ندای توحید به گوش جان انسانهای منتظر و خسته از بیداد کفر و طاغوت، همزمان با بعثت خاتم پیامبران نیز آغاز شد. اما این باور، چون ندای الهی عالمگیر و دعوت، فراگیر و گسترده بود، و کمتر کسی می‌توانست خود را از مخاطب بودن این ندا مستثنا کند، و دین کامل و پیامبر، آخرین بود، جبهه کفر و طاغوت از توان و کوشش خود بهره گرفت، تا بتواند ضربات سنگین و خرد کننده‌ای بر پیکر این ندای رهایی بخش و آزاد کننده‌ی انسانها وارد کند و بدین جهت، بارها همه اسلام با همه کفر در صحنه‌های مختلفی روبرو شد. [۱]. تمام تلاش و کوشش پیامبر (ص) و یاران اندکش در مکه و تحمل فشارهای ویرانگر و کشنده‌ای که از سوی مشرکان وارد می‌شد، بیانگر همین بسیج کامل به منظور در هم کوبیدن حق است. جنگهای پی در پی مخالفان و مشرکان در مدینه، دنباله همان حرکت‌های شوم و مذبحخانه معاندان در مکه بود که البته عالمی بر فشرده‌گی صفوف مسلمانان و روی آوردن انسانهای حقیقت جو و سالم و پاک به دین اسلام به شمار آمد. مخالفان داخلی و مشرکان از پای نشستند و تا زمانی که پیامبر (ص) در قید حیات بود، از تمام امکانات و نیروی خود برای از بین بردن دین اسلام کوشیدند. اما این تلاشها مؤثر نیفتاد و دین اسلام روز به روز گسترش بیشتری یافت. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) سیاست و شیوه مخالفان تغییر کرد. آنان دریافتند که از میان برداشتن دین، غیر ممکن است و لذا نقشه خطرناکی طرح کردند تا از درون، ضربه‌های ویرانگری بر دین وارد کنند. و در این مسیر نیز از همه امکانات خود سود جستند. از کسانی که ایمان ضعیفی داشتند، تا دنیا پرستان و به ظاهر دوستان بهره بردند و سالها کوشیدند تا به تدریج به هسته‌های مرکزی حکومت راه یابند. (چگونگی کاربرد شیوه‌های آنان در این زمینه، از جمله مسائلی نیست که در این مقال بگنجد و به بحث مستقلی نیاز دارد). آنان که روزی پرچمدار شرک علیه اسلام بودند و در صف اول مبارزه علیه حق قرار داشتند و شمشیر اسلام، جان آنان و نزدیکانشان را نشانه رفته بود، امروز علم اسلام خواهی بر دوش گرفتند و غم دین خوردند و برای زنده کردن شعارهای اسلامی اشک تمساح ریختند و در جایگاه خلیفه رسول خدا (ص) بانی تبلیغ دین و شناساندن اسلام به مردم و جهاد در راه خدا شدند! این گونه بود که تحریف از درون آغاز شد و لباس دین وارونه گشت و تبلیغات دستگاه اموی، حق را از درون مورد تهدید قرار داد، به گونه‌ای که نه فقط مؤمنان راستین بلکه اصل اسلام در معرض خطر قرار گرفت. تهدید، بسیار عمیق و جدی، و سرمایه گذاری مخالفان برای محو آثار اسلام اصیل و قرآن کریم، همه جانبه بود. بر این اساس، باید کسی به مصاف این دشمنان سرسخت می‌رفت که جانش، جان اسلام و خونش، خون پیامبر باشد. از این رو، نزدیک‌ترین فرد به رسول خدا (ص) مردی از سلاله پاک اهل بیت، حجت زمان، ودیعه خداوند در زمین، سالار جوانان بهشت، حضرت امام حسین - سلام الله علیه - قیام کرد و مردانه و با اخلاص و صفا، گام در راهی نهاد که هدفش یاری دین بر حق جدش بود. در این راه، خود و عزیزترین کسانش را قربانی دین مبین کرد و با شهادت مظلومانه‌اش، اسلام را برای همیشه‌ی تاریخ زنده نگه داشت. حضرت حسین بن علی (ع) و یاران باوفایش، با نثار خون خویش، حماسه‌ای بی‌همتا در جهان اسلام و فرهنگ بشری به وجود آوردند که قاموس مردانگی، آزادی، حق طلبی، ایثار و شهادت از آن زنده شد و فرهنگ و تمدن اسلامی را به یکباره دگرگون ساخت و اکنون پس از صدها سال، شاهد پیروی مسلمانان واقعی در اقصی نقاط جهان از این حرکت خدایی هستیم. ملت بزرگ و امت فداکار ایران به رهبری سلاله‌ای پاک از همان خاندان، حضرت امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - همان راه را در طول مبارزات حق طلبانه‌ی خود پیمود و سرانجام در روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ توانست با غلبه بر طاغوت زمان، مظاهر و ارزشهای اسلامی را زنده کند و با تبدیل اسلام ظاهری به اسلام ناب محمدی، ندای روحبخش توحید را به سرتاسر جهان برساند. در این

مرحله از تاریخ نیز دشمنان اسلام و قرآن، تاب تحمل نداشتند، پس علم مخالفت برافراشتند و به همه امکانات و نیروهای خود، در نهایت بی‌رحمی و شقاوت به جنگ اسلام و مسلمین آمدند. اما پایداری ملت مسلمان ایران به رهبری داهیان حضرت امام خمینی (س) به شعار الهی «خون بر شمشیر پیروز است» مصداق بخشید، و ثابت کرد که «حق» همواره ماندنی است و آنچه ضایع و از بین رفتنی است کفر و شرک و طاغوت است. اگر در حادثه خونبار عاشورا، جان انسانهای آزاده به درد آمد و در سوگ سالار شهیدان، اشک ریختند. و اگر گویندگان و شاعران آگاه و ژرف اندیش، در رثای حسین (ع) و مظلومیت او و یاران شهیدش. آثار ارزشمندی نگاشتند و سرودند و فریاد این مظلومان همیشگی تاریخ را به گوش جهانیان رساندند، امروز نیز شاعران و نویسندگان درد آشنا، هوشمند و آگاه، ظلم و ستم و بیداد طاغوتیان و مقاومت مردانه و جانانه امت اسلامی و رهبری بی‌نظیر امام خمینی را در قالب شعر و سرود و کلماتی آهنگین و ادیبانه با بیانی شیوا به گوش تمامی انسانهای آزاده می‌رسانند. همانندیهای دو حادثه عظیم عاشورا و انقلاب اسلامی ایران، فراوان است و شاعران و گویندگان، از این همانندیها به خوبی استفاده کردند و تأثیر پذیری امت حق جوی ایران اسلامی را در قالب شعر بیان نمودند و در این راه به توفیقهایی بزرگی دست یافتند. بی‌گمان استقصا و جستجوی کامل برای نشان دادن تأثیر فرهنگ عاشورا بر ادبیات معاصر - پس از پیروزی انقلاب اسلامی - آنهم در متون نظم میسر نیست. اما از آنجا که آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید در این مقاله می‌کوشیم تا برخی از جلوه‌های این تأثیر پذیری را همراه با نمونه‌هایی به اجمال و در حد بضاعت ناچیز خویش بنمایانیم. بیان این نکته اساسی را نباید فرو گذاشت، که تأثیر پذیری از فرهنگ عاشورا و بررسی گونه‌های مختلف آن در شعر قبل از انقلاب و ادبیات دوران مقاومت و ستمشاهی، خود از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اینکه کدام دسته از شاعران به این مهم اقدام کرده‌اند، بیان چه جنبه‌هایی را در کلام خود برگزیده‌اند، تعبیرات لفظی و تشبیهات ادبی و استعاره‌های آنان چگونه بوده، قدرت کلام و میزان نفوذ نفس آنان تا چه پایه رفته است، چه ابعادی از تأثیر پذیری را وجهه سخن خویش قرار داده‌اند و...؟ زمانی که این بررسیها صورت گرفت، آیه‌های فراوانی برای انجام داوریهای فرهنگی و ادبی همه جانبه حاصل می‌شود که هم با عنایت به افراد و گویندگان و هم با توجه به جنبه‌های کلامی، فرهنگی، ادبی و... قابل مقایسه و تطبیق و آنگاه نتیجه‌گیری است که فرصت و مجال دیگری می‌طلبد. از آنجا که آوردن نمونه‌های نثر - که در بسیاری موارد، مثلاً به آوردن تمام یک داستان یا بیش از نیمی از آن می‌انجامد - مقاله را بسیار مفصل می‌کند تا بتوان حال و هوای تأثیر را به طور کامل نشان دهد، صرفاً در این سطور، متون نظم در قالب ادبیات معاصر و آن هم شعر پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی و استناد قرار گرفته است. تا از این رهگذر، گوشه‌ای از این فراخنای بیکران و قطره‌ای از این اقیانوس عظیم، به عنوان نمونه ارائه شود. یادآوری این نکته مهم ضروری است که استشهاد به شعر برخی و فروگذار کردن اثر و کلام برخی دیگر، نه به معنای برتری و تفضیل یکی بر دیگری است - که ترجیح بلامرغ خواهد بود - بلکه فقط از باب ذکر نمونه و مثال است و نه مسئله‌ای دیگر. که مجال آوردن تمام نمونه‌های شعری از هر دست به هیچ رو، در یک مقاله امکان پذیر نیست و کتابها و رساله‌های مفصل می‌طلبد.

## انواع ادبی و قالبها

در شعر پس از انقلاب می‌توان از جهت قالب مورد انتخاب و یا به اصطلاح، نوع ادبی برگزیده توسط شاعر به قالبها و انواع ادبی زیر اشاره کرد: بیشتر شاعران، قالب و نوع غزل و رباعی را به این منظور برگزیده‌اند. پس از آن نوبت به «مثنوی» و سپس «چهار پاره» می‌رسد. از قالب «شعر نو» نیز بسیاری به همین منظور استفاده کرده و بهره جسته‌اند. البته برای تعیین میزان نوع ادبی برگزیده شده توسط شاعران، باید ابتدا استقصا و جستجوی کاملی فراهم آید و سپس با ذکر آمار دقیق، داوری و اظهار نظر قطعی صورت پذیرد که مجال آن کار مفصل در این مقاله مختصر فراهم نیست. این گفته فقط بر پایه حدس و گمان و تخمین و مطالعه برخی از



آثار استوار است.

## ترکیبات لفظی و ادبی

به طور کلی ترکیبات و تعبیرات مختلف و گوناگون ادبی از سوی شاعران و اربابان سخن در ارائه تأثیر پذیری از فرهنگ عاشورا انتخاب و بیان شده است، که ارائه نمونه‌های کامل پس از جستجوی زیاد امکان پذیر خواهد بود. در اینجا فقط به عنوان نمونه برخی از این تعبیرات و ترکیبات، در هر قسمت پس از بیان نمونه‌های شعری و برای آشنایی بیشتر با انتخاب و گزیده‌های لفظی شاعران ارائه می‌گردد.

## محورها و موضوعات کلی تأثیر پذیری

بیان تأثیر پذیری فرهنگ عاشورا در شعر پس از انقلاب می‌توان در چندین محور و موضوع دانست که از جمله به موارد زیر اشاره، و نمونه‌هایی ذکر می‌شود: الف. موضوع مدح، ستایش و تمجید که بی‌تردید مقوله‌ای بسیار مفصل و درخور اعتناست. البته این گونه کلام به هیچ رو، در ستودن و یاد کردن از واقعه‌ی عاشورا منحصر نمی‌شود، بلکه مشاهده می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق شاعران در این زمینه کوشیده‌اند حال و هوای اوضاعی را که از آن متأثرند، نیز در بیان خود بنگنجانند، که گاه با ذکر الفاظ مربوط به صحنه کربلا- و نام و یاد قهرمانان آن واقعه بی‌نظیر و حماسه دینی سترگ همراه است و در پاره‌ای از موارد نیز به اشاراتی تمثیل گونه بسنده شده و الفاظ مربوط به واقعه ذکر نشده، بلکه این مفاهیم و مضمونهاست که بر قلم و بیان شاعر گذشته و در شعر او نمودار گشته است. از آن جمله به عنوان نمونه برخی از ابیات مثنوی بلند «ساقی حق» از شاعر گرانمایه علی موسوی گرمارودی نقل می‌شود: ای تشنه‌ی عشق روی دل‌بند برخیز و به عاشقان ببیوندر جاری مهر، شستشو کن وانگاه ز خون خود، وضو کن زان پای که در این سفر آبی گر «دست دهی»، سبکتر آبی رو جانب قبله‌ی وفا کن با دل، سفری به کربلا کن بنگر به نگاه دیده‌ی پاک خورشید، به خون تپیده در خاک افتاده وفا به خاک گلگون قرآن به زمین فتاده در خون عباس علی، ابوفضایل (در خانه‌ی عشق کرده منزل) مثنوی با ماجرای شهادت حضرت عباس (س) پرچمدار کربلا و تشنگی آن بزرگوار با وجود دسترسی به آب و قطع شدن دستار مبارک سردار کربلا- ادامه می‌یابد و در پایان چنین می‌آید: در حسرت آن کفی که برداشت از آب و فروفکند و بگذاشت کف بر لب رود و در تکاپوست هر آب رونده در پی اوست هر موج به یاد آن کف و چنگ کوبد سر خویش را به هر سنگ چون مه شب چارده برآید دریا به گمان فراتر آیدای بحر بهل خیال باطل این ماه کجا و بو فضایل گیرم دو سه گام برتر آبی کو حد حریم کبریایی [۲]. مشاهده می‌شود که چگونه برداشت و تعبیرات جاودانه ادبی از آن حرکت بی‌نظیر تاریخی انجام شده است. حال به برخی از ترکیبات لفظی این مثنوی توجه شود: سرو بلند باغ ایمان، قمری شاخسار احسان، شاخ درخت باوفایی، میوه‌ی باغ کبریایی، خوبترین، سیراب از آب عشق، آتش حق، دستان خدا، قامت حیدری، عمر گل، ماه، کفه‌ی کاینات، ساقی حق و... غزل زیر نمونه‌وار نقل می‌شود: بازهم در نظرم عرصه‌ی جولان پیداست گریه‌ی آب روان خیمه‌ی عطشان پیداست مرد شش ماهه چه گفته است که در بستر خون بر گل‌پوش اثر بوسه‌ی پیکان پیداست سید سبز که آینه زلال دل اوست روح دریاست که در دشت نمایان پیداست قد سردار که در علقمه افراخته است اهترازی است که چون پرچم الوان پیداست این حسین است روان در دل زینب که صداس در سکوت شب در فاجعه پنهان پیداست بر سر نیزه لب نور تلاوت دارد شام در پرتو این آیه‌ی یزدان پیداست و تعبیرات لفظی: صولت مرد، خنجر عریان، ظهر مجروح، مقتل سرخ، جاده شب، خون سواران، کوفه ظلمت زده و... [۳]. و نیز: در اعتلای دین توحیدی گره خورد نام بلند کربلا با نام کعبه [۴]. همچنین غزل‌های روح آفتاب، خطبه خوان عشق، خون خدا و مثنوی بلند «پیر مشعل کش» و «سنبل سرخ» از مجموعه‌ی شعر در «آینه‌ی شقایق» [۵]. در این قسمت قابل توجه است. ب. ترغیب، تشویق و تهییج

رزمندگان جبهه‌های نبرد و دفاع مقدس: با هدف الگو گرفتن، تقلید پیروی از حرکت آزادببخش و ایثارگرانه‌ی سالار شهیدان در تطبیق وضع موجود با هدف الهی و مخلصانه آن حضرت. آنچنان که در مقدمه به اشارتی گذشت، گونه‌های همانندی در ستیز حق و باطل و رویارویی اسلام و اسلام نمایان در حرکت امام حسین (ع) و حرکتها و فعالیتهای نظامی پس از انقلاب اسلامی در ایران بسیار فراوان است. شاعران متعدد و فرزانه از این بابت، کلام خود را به عرش برین رسانده، همپایه ارجمندترین سخنان اولیای حق و جاویدان صحنه کلام قرار داده‌اند. می‌توان گفت که در عرصه‌ی هشت سال دفاع مقدس رزمندگان پرتوان این خطوط جبهه‌های نبرد و نور، با سلاح آتشین و پرنفوذ کلام خود، افزون بر اینکه تیرهای کشنده‌ای در کام دشمن نشانند، نیروی پرتوان و روح قدسی و نفس گرم الهی و فرشتگان مقرب ذات کبریایی بودند که دمی از جهاد قلمی خود بازنیستادند و وظیفه و رسالت مقدس خود را به خوبی شناختند و دین خود را به سرور آزادگان عالم و رهروان طریق پویا و زنده‌ی آن حضرت و تمام آزادیخواهان ادا کردند و نام و یادی جاودانه بر جایگذاشتند. هم با این هدف است که شاعر، گاه صحنه‌های حماسه جاوید کربلا را توصیف می‌کند و از این رهگذر برای تشویق و ترغیب و تهییج صحنه‌های کربلایی امروزمین بهره می‌گیرد و گاه با نظیره سازی به این مهم پرداخته است؛ از جمله در غزلی با مطلع زیر: ای پرستوها که دارد غبطه بر پروازتان هر که از اوج رهایی بشنود آوازتان... آمده است: طی راه عشق کردید و چنین ره بسپرد راهیان کربلا یاران حق پردازتان [۶]. و یا مطلع غزلی مشهور و جاودانه: از خوان خون گذشتند صبح ظفر سواران پیغام فتح دارند آن سوی جبهه یاران آمده: در کربلای تاریخ مردانه در ستیزند رزم آوران اسلام با خیل نابکاران در شام سرد سنگر روشن چراغ خون است ای آب دیده تر کن لبهای روزه داران [۷]. در غزلی با مطلع: ز هشیاران و از مستان جداید طلوع فجر اخلاص و صفایید آمده است: غروب فصل بی‌باران ظلمت طلوع ماجرای کربلایید [۸]. و یا: رزم آوران، یاران، دلیران شیران خونین یال ایران چنین می‌خوانیم: خورشید را در سینه دارید شب را به بند نور آریداز کربلای پربلایید چون جوشش خون خدایید چون عزمتان در آختن بود چون رزمتان در تاختن بود دیو پلید اهرمن را بتهای شیطانی «من» را با آختن هاتان زدودید شعر شقایق را سرودید [۹]. و یا رباعیهای زیر: ما سالک راهیم ره سرخ حسین از نسل دلاوران بدریم و حنین پوشیده کفن جمله به صف استادیم تا آنکه چه فرماید مان پیر خمین پوشیده به تن دلاوران شربه‌ی خون آشفته سپاه خصم از حربی خون [۱۰]. در سنگر حق و باطل هنگام نبرد شمشیر ستم شکسته از ضربی خون در غزلی دیگر چنین آمده است: زجان گذشته به آیین سرخ سربازی سزد به یاری یار یگانه برخیزید [۱۱]. و نیز در غزلی با مطلع: ای جان گرفته در شب توفان صدایتان روید روی جاده‌ی خون جان پایتان آمده: شوریدگی کنید که در عرصه‌ی خطر تنهاست‌های صف شکنان، کربلایتان [۱۲]. ج. بیان وقایع امروزمین و توصیف واقعه‌ها با استفاده از همانندیهای فرهنگی و انطباق مفهومی: مقصود از بیان همانندیها و تشابهات، آن چیزی است که به عنوان صحنه نبرد جاودانه کربلا مطرح است، با نمونه موجود و زنده آن که پیش روی هر بیننده قرار دارد. چنین توصیفی تمام جلوه‌ها و جنبه‌های انقلاب اسلامی را در برمی‌گیرد؛ از ورود امام راحل - قدس سره الشریف - تا توصیف دقیق و گویای صحنه‌های نبرد و یاد کرد آزادگان، شرح دلاوریهای رزمندگان، سپاهیان و بسیجیان جبهه‌های نور، خانواده شاهدان شهید، رحلت و عروج امام بزرگوار و تمام مظاهر ارزشمند و جاودانه انقلاب اسلامی. اینجاست که بیان اوج می‌گیرد، به حرکت تعالی می‌بخشد، و هر حرکتی را که گام در دنباله آن حرکت سترگ گذاشته است، زنده و پویا می‌کند و این مهم یکی از اهداف بزرگ و متعالی و ارجمند شاعر و ادیب است. در واقع، در این قسمت آنچه بیش از هر چیز توجه خواننده را به خود جلب می‌کند، انطباق مفهومی و هم آوایی و هماهنگی فرهنگی است که جان کلام و مایه اصلی سخن شاعر است که به درستی از عهده آن برآمده و آن را در قالب بیان ارائه کرده است. در این محور نیز گاه شاعر از الفاظ مربوط به واقعه عاشورا بصراحت نام برده و یاد کرده و گاهی نیز بدون آوردن آن الفاظ و نام قهرمانان، صرفاً بیان مفهومی از مفاهیم آن واقع سترگ در پیش روی شاعر قرار گرفته است. اینک در این بخش، نمونه‌هایی به اجمال ذکر می‌شود: علمدار سپاه عشق را نازم که با همت کند بیدست در میدان مردی رایت افزای نبازم

پاسداری را که با شور ابوالفضل کاند ایثار، دست و جان و سر، مانند خرازی [۱۳]. سپاه شوم یزیدی زکربلا بگریخت حسین عصر ستم آمد از محرم صبح... به جستجوی شهیدان کربلای وطن امیر قافله با اشک و آه می‌آید [۱۴]. من کربلا را دوست دارم آن شهر مثل خانهای ماست تصویر هر چیزی که خوب است در چهره‌ی این خانه پیداست من کربلا را دوست دارم با گنبد زیبای پاکش با مرقد سبز حسینش با سرخی گلرنگ خاکش جز نام خوب کربلا نیست هر روز بر روی زبانه‌ی یاد خوشش همواره جاری است چون خون گرمی در رگانه‌ی این روزها صدام کافر این خانه را از ما گرفته خورشید گرم خنده‌ها را از گوشه‌ی لبها گرفته اما یقین فردا شود باز با عزم ما این ره دوباره زیبا شود دنیای ما هم چون آسمان پرستاره‌ی کربلا، رزمندگان را شوق تو تا آنجا کشانده رزمندگان مژده که دیگر تا کربلا راهی نمانده [۱۵]. در جبهه فروغ مهر جانان دیدم عشاق گذشته از سر و جان دیدم... از پیر و جوان به عشق دیدار حسین دل داده‌ی جان به کف فراوان دیدم [۱۶]. از باده‌ی گلگون بلا مدهوشم با رهسپران کربلا همدهوشم‌ای شب چو ستاره گر به خون غلتیدم خورشید وش از متن فلق می‌جوشم [۱۷]. چنانکه گل به سر شاخسار می‌لرزد مرا به سینه دل داغدار می‌لرزد سموم فاجعه از هر کرانه می‌گذرد چو یال توسن بی‌شهبسوار می‌لرزد سعی توست، هلا، زینب زمانه‌ی ما که کاخهای ستم را حصار می‌لرزد [۱۸]. زین پیش حرامی صفتی در حرم دوست نشکست چنین حرمت مهمانی ما را از کرب و بلا. با عطش زخم رسیدیم یارب پذیر این همه قربانی ما را [۱۹]. همه نغمه‌ی نایی نینوایی به نی نوای نو اگر گرفته... چو زینب زبانی به رغم اسارت ره دخت زهرای اطهر گرفته [۲۰]. زنده عالم ز اشتیاق روی اوست در همه ذات، های و هوی اوست قامت صبر زمان پوسیده است لاله‌های کربلا. روییده است لاله‌ها در راه سرخ انتظار پر پرنداز اشتیاق روی یار [۲۱]. وارث پرچم بلند حسین بوی این خاک بوی عاشوراست و آن غباری که می‌رسد از دور از هجوم پلشت رهنهاست [۲۲]. در مثنوی «شهیدان» با مطلع: خورشید تبعیدی به زندان افق بود شب در هجوم بال خفاشان قرق بود آمده است: چون اولیا بال و پر پروازشان، حق چون مرغ حق، زیر و بم آوازشان حق با ذوالجنح نور تا معراج رانند تا وعده گاه عشق تا حلاج رانند تا ورد لبهاشان سرود سرخ «لا» شد هر جا زمینی بود آنجا کربلا شد... با ما بجز اسرار بیداری نگفتند بیدارمان کردند و خود در خاک خفتند [۲۳]. شهر ما آنکه خفته بود آرام سخت افتاد در فغان و خروش ناله‌ی یا حسین و یا زینب از زن و مرد می‌رسید به گوش [۲۴]. شهید گر شوم اینک به کربلای وطن دل تپنده‌ی تاریخ می‌شود گفتمباز هفتاد و دو تن را ای عزیزان اربعین شد باز یاد کشتگان کربلا با ما قرین شد... چاوشان عشق بر لب، ذکر تسلیم لایمرک جاودان زان سرفرازان پرچم فتحا مبین شد [۲۵]. مدینه تاب ندارد برای مکه، هنوز نشسته کرب و بلا. در عزای مکه، هنوز... زدشت ماریه زینب سوی حجاز آمد حسین با تن بی‌سر به مکه باز آید [۲۶]. ما نوای سرخ خون را نایی ایم از چه می‌ترسیم عاشورایی ایم... صلح قسط و قاسط و ناس است این قطعنامه‌ی دست عباس است، این دشت خون راهی هی و هو را گرفت پیر ما را بغض عاشورا گرفت سایبان دجله و زمزم تویی وارث خون، وارث آدم تویی ای حسین مرد صحرای قیام زینبی رفتار کن با این پیام [۲۷]. در پاسخ آن «سر جدا» شد خون ما پیک از هر سری آید جدا لیک لیک از این افق تا آن افق سرخ است یکدست فتح جهان با این سپاه سر بریده است من آمدم مولا فدای آن صدایت یک کربلا لیک خون ریزم به پایت [۲۸]. بهمن ای اسطوره‌ی ایثار و خون بوی جان از کربلا. آورده‌ای [۲۹]. ای وای خدایا اسرا را که خبر کرد در کرب و بلا. خون خدا را که خبر کرد... ای شمع زبانسوخته در شام غریبان آن چشم و چراغ دل ما را که خبر کرد [۳۰].

### در توصیف امام در غزلی با مطلع

بوی گندم بوی باران می‌دهی بوی عطر تازه‌ی نان می‌دهی آمده است: بوی عاشورای خونین حسین بوی گلزار شهیدان می‌دهی [۳۱].  
د. جنبه‌های ادبی همراه با بهره‌گیری از استعاره، تشبیه و تعبیرهای مجازی: گرچه در خلال اشعار نقل شده در تمام صحنه‌ها چنین مواردی فراوان یافت می‌شود و اصولاً این مرحله دستاویز اصلی ارباب سخن است، اما از جهت بازبینی و اهمیت نظر به دیدگاه

خاص شاعران برای نمونه، آثاری را نیز در این زمینه به استشهاد می‌طلسیم تا همانندیهای برگزیده‌ی شاعر بیان وجه شبه‌ها و الهامبخش آنان مشخص گردد. بی‌درد مردم، ما خدا، بی‌درد مردم نامرد مردم، ما خدا، نامرد مردم از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم از دست ما بر ریگ صحرا قطع کردند دست علمدار خدا را قطع کردند... نوباوگان مصطفی را سر بریدند مرغان بستان خدا را سر بریدند در بر گزیر باغ زهرا برگ کردیم زنجیر خاییدیم و صبر مرگ کردیم... خورشید را بر نیزه؟ آری اینچنین است خورشید را بر نیزه دیدن سهمگین است بر صخره از سیب ز نخ بر می‌توان دید خورشید را بر نیزه، کمتر می‌توان دید [۳۲]. از لب بام کفتری پر زد از دل زن کبوتر شادی مرد در فکر نینوای نبرد مرد در فکر روز آزادی [۳۳]. بذری که ریخت بر زرگر دل به کربلا از خون سرخ مردم ایران شکفته شد [۳۴]. من درای کاروان حسرتم سر بدار نینوای محنتم [۳۵]. درباره آمدن امام (س) به خاک وطن: سوار باره‌ی نور از پگاه می‌آید دهید مژده که آن پیر راه می‌آید به جستجوی شهیدان کربلای وطن امیر قافله با اشک و آه می‌آید [۳۶]. ه. استفاده از هماهنگی و هم‌آوایی الفاظ برای قافیه ساختن: وجه غالب در این مورد آن است که شاعر با استفاده لفظی از هم‌آوایی و هماهنگی دو لفظ «حسینی» و «خمینی» و بیان همانندیهای فرهنگی و مفهومی، تطابقها، توصیفات و تأثیرات گوناگون واقعه عاشورا را بیان کرده است. نمونه‌ها در این زمینه بسیار زیاد است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم: چهارده قرن بسی گل و اشد از یکی روح خدا پیدا شد گلی آزاده ز صحرای خمین خورش آمیخته با خون حسین [۳۷]. مردی که بود از دوده‌ی احمد تبارش در آستین دست علی با ذوالفقارش مردی که بود اندر رگش خون حسینی روح خدا فرید قرن ما خمینی [۳۸].

### در سوگ امام راحل در شعری با مطلع

نه چراغی است نه شمعی، همه جا خاموش است کوچه در کوچه عزادار و علم بر دوش است... آمده است: شام این بادیه صد شور نیستان دارد رنگ، تاریک‌تر از شام غریبان دارد مردم کوچه‌ی ما شور حسینی دارند سوزها بر جگر از هجر خمینی دارند [۳۹]. ای علمدار ره سرخ حسین پیشوای شیعیان پیر خمین [۴۰].

### در شعری با مطلع

ای زن ای رحمت خداوندی نور ایمان، فروغ خرسندی آمده است: تویی ای زن زبان عاشورا زینب کاروان عاشورا... سر نهادی به خط پیر خمین شد جوانت فدای راه حسین [۴۱]. و- یکی از جنبه‌های بسیار فراگیر و گسترده از رهگذر فرهنگ عاشورا، تمام مفاهیمی است که به طور کلی به شهید و شهادت، دادن خون، ایثار جان، از خودگذشتگی و... مربوط است. پرداختن به این فصل و بخش از سخن بسیار مفصل است و به درازا می‌کشد که از باب نمونه و برای جلوگیری از غفلت و فراموشی به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود: دیباچه‌ی عشق و انقلاب است شهید منظومه‌ی سرخ آفتاب است شهید فریاد بلند ظهر عاشورا را با سرخی خون خود جواب است شهید [۴۲]. خون شهید مایه‌ی احیای دین ماست مذهب به غیر خون تو احیا نمی‌شود [۴۳]. گل اشکم شبی وامی شد ای کاش همه دردم مداوا می‌شد ای کاش به هر کس قسمتی دادی خدایا شهادت قسمت ما می‌شد ای کاش [۴۴]. آن نوجوانانی که سرخ سرخ رفتند باید بدانی نخلهای سبز سبزند آوای شورانگیز نی از نینوایند دلدادگان خاک سرخ کربلایند آنان اقاچه‌های فردایی سپیدند آنان شهیدند و شهیدند و شهیدند [۴۵]. نخل دین پژمان شده است از آتش بیداد و جهل تا شود شاداب، باید دادش از ایثار، ثار [۴۶].

- [۱] فرموده‌ی پیامبر اسلام در جنگ خندق: «برز الایمان کله الی الشریک کله» تاریخ پیامبر اسلام (ص)، محمد ابراهیم آیتی، ص ۳۹۱ به نقل از دلایل الصدق، ج ۲، ص ۲۵۹.
- [۲] علی موسوی گرمارودی: مجموعه شعر دستچین، ص ۱۴۱.
- [۳] شیرینعلی گلمرادی: هشت فصل عشق، ص ۱۷۱.
- [۴] خلیل عمرانی: نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، ۳۰۱.
- [۵] احد ده بزرگی: مجموعه شعر در آینه شقایق: ص ۱۱۸، ۱۰۷، ۲۶، ۲۴، ۲۳.
- [۶] حمید سبزواری: تذکره شعرای معاصر، ص ۱۸۹.
- [۷] نصرالله مردانی: مجموعه سوره، جنگ دوم، ص ۲۷.
- [۸] مهین زورقی: مجموعه شعر کوثر، ص ۴۳.
- [۹] پرویز بیگی: مجموعه شعر غریبانه، ص ۷۶.]
- [۱۰] محمد رضا سهرابی نژاد: مجموعه سوره، جنگ دوم، ص ۳۱.
- [۱۱] سیمین دخت وحیدی: مجموعه شعر کوثر، ص ۸۵.
- [۱۲] مهدی فراهانی منفرد: شکوفه‌ای تازه در بهار انقلاب، ص ۲۱.
- [۱۳] اصغر حاج حیدری: هشت فصل عشق، ص ۷۶.
- [۱۴] سیاوش دیهیمی: شعر انقلاب، ص ۱۰۸.
- [۱۵] علی اصغر نصرتی: همصدا با آب و آینه، ص ۱۵۰.
- [۱۶] حسین لاهوتی: تذکره‌ی شعرای معاصر، ص ۲۰۹.
- [۱۷] جلال محمدی: ساقه‌های سبز، ص ۷۰.
- [۱۸] نرگس گنجی: مجموعه شعر کوثر، ۷۲.
- [۱۹] علیرضا قزوه: از نخلستان تا خیابان، ص ۲۶.
- [۲۰] مهرداد اوستا: نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، ص ۱۸۱.
- [۲۱] صدیقه وسمقی: مجموعه شعر کوثر، ص ۱۰۵۰.
- [۲۲] حسین اسرافیلی: شعر انقلاب، ص ۳۱.
- [۲۳] حسن حسینی: مجموعه سوره، جنگ دوم، ص ۲۳.
- [۲۴] مصطفی رحماندوست: همصدا با آب و آینه، ص ۶۹.
- [۲۵] سپیده کاشانی، همان ص ۱۰.
- [۲۶] افشین علاء: نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، ص ۳۱۸.
- [۲۷] احمد عزیزی: همان، ص ۱۶۰ تا ۱۶۶.
- [۲۸] شادروان احمد زارعی: شکوفه‌ای تازه در بهار انقلاب، ص ۴۲.
- [۲۹] رضا اسماعیلی: شعر انقلاب، ص ۳۷.
- [۳۰] صادق رحمانی: سوگنامه، ص ۶۸.
- [۳۱] نصرالله مردانی: نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، ص ۲۰۵.
- [۳۲] علی معلم: رجعت سرخ ستاره، ص ۶۳ تا ۶۶.

- [۳۳] محمد رضا عبدالملکیان: تذکره شعرای معاصر، ص ۲۱۲.
- [۳۴] ده بزرگی: در آینه شقایق، ص ۲۵.
- [۳۵] حجتی شفق: نقد و تحلیل انقلاب اسلامی ایران، ص ۵۴.
- [۳۶] سیاوش دیهیمی: همان، ص ۲۴.
- [۳۷] سپیده کاشانی: همان ص ۴۲.
- [۳۸] شاهرخی (جذبہ) همان، ص ۱۴۰.
- [۳۹] حسن حسین زاده: سوگنامه، ص ۵۲.
- [۴۰] رحمت الله حسن پور قادری: شکوفه‌ای تازه در بهار انقلاب، ص ۹۴.
- [۴۱] سیمین دخت وحیدی: مجموعه شعر کوثر، ص ۹۰.
- [۴۲] سید قاسم ناظمی: ساقه‌های سبز، ص ۷۳.
- [۴۳] دکتر خلیلیان: با بلبان سرمست عشق، ص ۷۳.
- [۴۴] علیرضا قزوه: از نخلستان تا خیابان، ص ۶۰.
- [۴۵] شهلا آهیخ: مجموعه شعر کوثر، ص ۱۶.
- [۴۶] خلیل کشاورز: با بلبان سرمست عشق، ص ۶۸.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن

منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی  
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه  
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...  
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای  
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)  
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...  
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR  
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بَدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

